



فرهاد پناه‌ی

تجدید ارزیابی دارایی‌ها، بازار سرمایه و چالش‌های حساب‌رسان

هدف از تجدید ارزیابی دارایی‌ها انعکاس ارزش روز و منصفانه‌ی اقلام دارایی‌های بلندمدت در صورت‌های مالی است. گفته می‌شود بدین ترتیب از سویی کیفیت اطلاعات برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی ارتقا می‌یابد و از سوی دیگر برپایه‌ی قیمت‌های تجدید ارزیابی شده محاسبه‌ی استهلاک مبنای دقیق‌تری پیدا می‌کند. از همین رو، در استانداردهای حسابداری بسیاری از کشورها تحت شرایط معینی تهیه و ارائه‌ی صورت‌های مالی مکمل برحسب ارزش روز دارایی‌ها مجاز شمرده شده است.

روشن است که در کشورهایی که تورم‌های شدید را برای دوره‌هایی طولانی تجربه می‌کنند آن‌چه به عنوان ارزش دارایی‌ها در صورت‌های مالی انعکاس می‌یابد با آن‌چه در واقع ارزش منصفانه‌ی این دارایی‌ها است تفاوت‌های چشمگیری می‌یابد. به همین دلیل بخشی از ارقام بازتاب‌یافته در صورت‌های مالی ارتباط هرچه دورتری با ارزش جاری آن دارایی‌ها در بازار می‌یابد. در ایران نیز، اکنون حدود نیم‌قرن است که در اغلب سال‌های مالی شاهد وجود تورم‌های دورقمی در اقتصاد بوده‌ایم. ازاین‌رو، نزدیک کردن ارقام ثبت‌شده در خصوص دارایی‌های بلندمدت به ارقام واقعی مستلزم تجدید ارزیابی است.

مبنای اندازه‌گیری در مدل تجدید ارزیابی ارزش منصفانه‌ی دارایی و به عبارت دیگر مبلغی است که در ازای آن خریدار و فروشنده در شرایط متعارف مایل‌اند یک قلم دارایی را در دادوستد حقیقی مبادله کنند. تجدید ارزیابی به‌وسیله‌ی ارزیابان حرفه‌ای و دارای صلاحیت باید انجام گیرد. طبیعتاً محاسبه‌ی ارزش‌های منصفانه‌ی دارایی‌ها در شرایط فقدان بازارهای کارآمد و وجود گرہ‌های ساختاری در بازار کالاها و دارایی‌های درازمدت و واقعی چالش‌ها و دشواری‌های خاص خود را دارد.

اما علاوه بر آن نکته‌ی چالش‌برانگیز آن است هرگاه برائر تجدید ارزیابی مشخص شود که ارزش متعارف دارایی بیشتر از ارزش دفتری آن است، مبلغ مازاد، اندوخته‌ی سرمایه‌ای به حساب می‌آید و به حساب مازاد تجدید ارزیابی بستانکار و جزو حقوق صاحبان سهام در ترازنامه طبقه‌بندی می‌شود. این نحوه‌ی برخورد با مازاد حاصل از تجدید ارزیابی و انتقال آن به حساب سرمایه به‌نوبه‌ی خود می‌تواند تصویری غیرواقعی از وضعیت واقعی بنگاه اقتصادی تجدید ارزیابی شده ارائه می‌دهد. زیرا در حقیقت از تجدید ارزیابی مبلغی حاصل نمی‌شود و ازاین‌رو از آن‌جا که سود یا زیان در تاریخ فروش دارایی شناسایی می‌شود مبالغ متورم حاصل از تجدید ارزیابی نمی‌تواند مبنای قضاوت اشخاص در ارزیابی بازدهی فعالیت یک واحد اقتصادی باشد.

بنابراین شاهد هستیم که در استانداردهای حسابداری افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی منع شده است، مگر این‌که قانون اجازه دهد. دلیل این ممنوعیت این است که مازاد تجدید ارزیابی یک درآمد تحقق نیافته است. اما در سال‌های اخیر شاهد آن بوده‌ایم که قانون در مسیری مخالف استانداردها افزایش سرمایه از محل تجدید ارزیابی را مجاز شمرده است. معمولاً در این خصوص مدافعان افزایش سرمایه به‌مدد تجدید ارزیابی بر الزامات ناشی از حیات بنگاه‌های اقتصادی در اقتصاد تورمی و لزوم ارتقای نسبت کفایت سرمایه اشاره و تأکید می‌کنند که اطلاعات به‌روز شده و شفاف می‌تواند به تصمیم‌گیری درست و منطقی سرمایه‌گذار منتهی شد.

همچنین نکته‌ی دیگری که باید بر آن تأمل کرد حکم به تجدید ارزیابی تمامی طبقات دارایی است. زیرا به‌طور خاص ارزش‌یابی دارایی‌های نامشهود متأثر از عواملی است که بعضاً متفاوت از دارایی‌هایی مشهود است. در ارزش‌یابی این گروه از دارایی‌ها، داوری ارزیابی‌کننده و پیش‌انگاشت‌ها و پیش‌بینی‌های وی بسیار تأثیرگذار است. بنابراین معیارهای خاص ارزش‌یابی دارایی‌هایی نامشهود مانند سررقفل، دانش فنی، باید مشخص و مدون شده باشد، تا حتی‌الامکان تجدیدارزیابی این دسته از دارایی‌ها ملاک‌های قابل‌اتکا و قابل‌مقایسه‌ای داشته باشد.

سرانجام لازم به تأکید کرد که از سویی در شرایط تورمی تجدید ارزیابی به منظور بهبود کیفیت اطلاعات مالی منطقی به نظر می‌رسد اما از سوی دیگر از آن‌جا که حقیقتاً این امر بر بازدهی واقعی بنگاه اقتصادی تأثیری ندارد می‌تواند به تصمیم‌گیری نادرست استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی منتهی شود. ازاین‌رو، هرگونه سیاست‌گذاری برای تجدید ارزیابی باید با ملاحظه‌ی هر دو محور مهم صورت پذیرد.